

دنبال کدام دنیا برویم؟

یکی از اموری که در زندگی دنیا برای بسیاری از افراد جلب نظر می‌کند، مال و منال و زرق و برق‌های دنیاست. باید گفت گرچه رفاه و رسیدن به نعمت‌های دنیا خوب و زیباست، نمی‌تواند هدف انسان در چند صباح زندگی دنیا باشد و اگر باشد، در نهایت بی‌شک او در این زندگی، احساس خسارت خواهد کرد؛ چون خداوند برنامه دیگری برای انسان دارد و وی را در مورد اموری بازخواست خواهد کرد که به‌آن هانیرداخته‌است. خداوند متعال در تبیین جامع و کاملی در مورد وابستگی انسان به زندگی دنیوی می‌فرماید: «لَکَ الدُّنْیَا الْآخِرَةُ تَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یَرْیدُونَ عُلُوْفَیْ الْأَرْضِ وَلَا فَسَادَہَا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ» و تأکید می‌کند که خداوند برای آن‌هایی که در دنیا سرکشی نمی‌کنند، آخرت را آفریده است تا حسن عاقبت برای پرهیزکاران باشد.

زمینه نزول این آیه، مربوط به ماجرای قارون است. زمانی که برخی افراد قومش، به مناظر ثروت و نگاه کردند و گفتند: «يَا لَیْتُمْ لَنَا مِثْلَ مَا وَثِقَ قَارُونُ إِنَّہُ لَذُو حَظٍّ عَظِیمٍ» و با خود آرزو کردند که کاش مثل او بودند و از لذت‌هایی که او برخوردار است، آن‌ها هم بهره‌مند می‌شدند. باین حال قرآن کریم می‌گوید که متقین و مؤمنان قوم قارون در همان لحظه با خود گفتند: «يَکَانَ... یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ، یعنی خداست که به هر که بخواهد، روزی می‌دهد».

انسان در زندگی دنیایی خود، وابسته به امید و آرزوست. همه چیز براساس آرزوها شکل می‌گیرد و امید هم دخیل است تا انسان را در طول فرازونشیب‌های زندگی خود در تکاپو نگه دارد. باین حال آنچه مهم است، این است که آلمان و آرزو براساس توهمات و براساس اهداف، آرزین رفتنی و ناپودشدنی نباشد. تراکم قدرت و ثروت در دنیا، نیز یک امر ناپودشدنی و موقتی است و دل بستن به آن، هیچ مبنا و منطقی ندارد. اگرچه ممکن است برادر و خواهر جوانی این طور گمان کند که همه چیز در قدرت و ثروت نهفته است و همه لذت‌های عالم مشروط به در اختیار داشتن این دوا ابزار است، این طور نیست. اینکه برادر و خواهر جوان من، با خودش فکر کند آقایی که در زمانیرین کاخ‌ها زندگی می‌کند و بر گران‌ترین خودروها سوار می‌شود، خوشبخت عالم است. این درست نیست.

زندگی برای انسان عادی می‌شود. این ویژگی ذاتی انسان است که به شرایط عادت می‌کند و زندگی در کاخ و سوار شدن بر خودروی گران قیمت برای من و شما که نداریم، جلب توجه می‌کند اما برای خود فرد به تدریج بدیهی می‌شود. در این شرایط، باید بدانید فردی که از بیرون، این وجوه از قدرت و ثروت رامی‌بیند، نمی‌داند فراهم کردن آن مستلزم نگرانی، دلوایسی، دغدغه و درگیر شدن در تنگنای فشارهای عصبی، دشمنی‌ها و درگیری با کسانی است که یا چشم به اموال فرد دارند یا بنا به هزاران دلیل منطقی و غیرمنطقی، تحمل برخورداری او را ندارند.

این تصویر قطعی زندگی انسان است که بسیاری از انسان‌ها زمانی که به مکتب و ثروت برسند، خیراز زندگی آن‌ها رخت برمی‌بندد، تا جایی که قرآن کریم می‌فرماید: «کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَکَافٍ إِنَّهُ أَشْغَفَتْ، یعنی انسان طغیان می‌کند اگر استغنا و بی‌نیازی برایش فراهم شود».

البته رفاه در زندگی، خوب است. نعمت خداست و باید شکرش را به جا آورد اما برای یک دوره گذار که همان زندگانی دنیوی است. انسان نباید هدف‌گذاری کند تا به امکاناتی برسد که پیشینیان برای او گذاشته‌اند و پس از او هم نصیب نسل‌های بعد می‌شود. در روایت آمده است از وجود نازنین علی بن موسی الرضا^(ع) سؤال شد، «یابن رسول الله... کَیْفَ أُضْبِخْتُ، یعنی ای فرزند رسول خدا! حالتان چطور است؟». حضرت پاسخ دادند: «أَضْبِخُ بِأَجْلِ مَنَّقُوصٍ وَ عَمَلٍ مَحْفُوظٍ وَ الْمَوْتُ فِی رَقَابَتِی وَ الْآثَرُ مِنْ زَوَائِلِی، یعنی در برابر اجلی قرار دارم که نزدیک است، در دنیایی زندگی می‌کنم که در آن، هر عملی ثبت و ضبط می‌شود. مرگ به تعقیب انسان برمی‌آید و آتش دوزخ پیش روی او قرار دارد». در این موقعیت، چه ارزشی دارد که انسان همه زندگی خود را برای تهیه یک کاخ زیبا و خودروی گران قیمت، سرمایه‌گذاری کند و دست‌خالی به محضر پروردگارش برسد؟

چقدر خوب است که انسان در زندگی به فکر عبادت خداوند و کمک کردن به دیگران باشد و اگر تلاش او در این دنیا منجر به رسیدن منافع دنیوی شد، می‌تواند از این منافع در جهت این عبادت و کمک کردن به دیگران استفاده کند و این‌گونه می‌شود که همین دنیا و نعمت‌های دنیوی تا ابد با انسان خواهد بود و در زندگی ابدی، زمینه سربلندی او را فراهم خواهد کرد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یادداشت

۱۳ امتیاز هم‌نشین شایسته در کلام حضرت مسیح(ع)

پرسش و پاسخی درباره آیین مجالست و هم‌نشینی و دوست‌یابی از حضرت عیسی بن مریم^(ع) وجود دارد. این پرسش و پاسخ را امام جعفر صادق^(ع) از قول آخرین و بهترین پیامبر خدا، حضرت محمد^(ص)، برای مسلمانان گزارش کرده‌اند.

این گفت وگوی اخلاقی حضرت مسیح^(ع) و حواریون، راهنمای مسیحیان و مسلمانان جهان است. فضل بن ابی‌قره گفته است: «امام جعفر صادق^(ع) فرمود که پیامبر خدا فرمودند: قَالَتْ الْخَوَارِیُّونَ لِعِیْسَى یَا رُوحَ ا... مَنْ تَخَالِسُ؟ حواریون به عیسی^(ع) گفتند: ای روح! با چه کسی هم‌نشینی کنیم؟ قال: «مَنْ یُذْکِرُکُمْ ا... وَیُتَبَّهُ وَ یَزِیدُ فِی عِلْمِکُمْ مَنَظَفَةٌ وَ یَرْغَبُکُمْ فِی الْآخِرَةِ عَمَلَهُ. آن که دیدنش، خدا را به یاد شما بیاورد و سخنش بر دانش شما بیفزاید و عملش، شما را به سوی آخرت، ترغیب و تشویق کند.» این پرسش حواریون از حضرت عیسی^(ع) را امام جعفر صادق^(ع) از قول حضرت محمد^(ص) نقل کرده‌اند. پس

این حدیث، عیسوی و محمدی و جعفری است.

سراوار است مسلمانان و پیروان اهل بیت^(ع)، حقایق و درس‌های این حدیث را فرابگیرند و در زندگی خویش رعایت کنند. نشانه‌ها و صفات هم‌نشین خوب و نیک در این پرسش و پاسخ بیان شده است. هم‌نشین عالی و زیبا سه امتیاز دارد.

چهره و سیمای یادآور خدا

هم‌نشین مناسب آن انسانی است که هر زمان انسان چهره او را می‌بیند، به یاد خدا بیفتد. باید با انسان‌های دارای سیمای یادآور خدا ارتباط داشت و آنان را برای هم‌نشینی و روابط اجتماعی برگزید. دیدن چهره الهی و شخصیت آموزنده توحیدی، همواره بر اعتقاد و ایمان دینی انسان می‌افزاید و موجب تقویت و پایداری و استحکام معنویت الهی در او می‌شود.

سخنان دانش‌افزا

انسان مؤمنی که سخنش از باطل و لهو و غیبت و تهمت پاک است و دانشمندی که هم‌سخن شدن با وی همواره بر دانش انسان می‌افزاید، شایسته هم‌نشینی است. منطق و سخن الهی این چهره الهی، راهنمای هم‌نشینی است. هر دیدار و ملاقات با این هم‌نشین دانشمند دارای علم الهی، دانش انسان را گسترش می‌دهد.

عمل صالح: تشویقگر اخیرت‌گرایی

هم‌نشین برتر براساس این رهنمود حضرت مسیح^(ع): آن‌انسانی است که اهل عمل صالح و کارهای خیر و زیبا و مشروع است و هم‌نشینی با او انسان را به انجام کارهای آخرتی و آخرت‌گرایی ترغیب و تشویق می‌کند. هم‌نشین خوب آن هم‌نشینی است که دیدارش، انسان را از دنیا‌گرایی و کارهای زشت باز می‌دارد و به کارهای زیبا و راهنمای عالم آخرت می‌رساند.

مجالست و دوستی با هم‌ارتباط دارند و هم‌نشینی، راه دوستی است و انسان با دوست خود هم‌نشین می‌شود. این حدیث، آیین دوست‌یابی را به دین‌داران مسیحی و مسلمان آموزش می‌دهد. هم‌نشینی با انسانی که هر سه امتیاز دوست برتر را دارا باشد، آثار مثبت فراوان و سرنوشت‌سازی دارد و هم‌نشینی با فردی که دست‌کم یکی از این سه صفت زیبا را داشته باشد، نیز می‌تواند سودمند و نجات‌بخش باشد.

منبع حدیث: کافی، ج یک، ص ۳۹/ مصباح‌الشریعه، ج ۲۱ و ۱۶۱/ اثبات‌الوحدیه مسعودی، وفات ۳۴۶، ص ۸۳/ تحف‌العقول، ج ۴۴/ وافی، ج ۵، ص ۱۳۸/ بحار‌الانوار، ج یک، ص ۲۰۳، ج ۱۴، ص ۲۳۱، ج ۷، ص ۲۲۲ و ج ۷۴، ص ۱۸۹ و ج ۷۸، ص ۱۲۷

شکر

۱۴ دی ۱۳۷۲
شماره ۴۵۱
SHAHIRANNEWS.IR

۱۴

↓

معارف

شهرآرا در گفت‌وگو با کارشناس مذهبی بررسی کرد

وقتی رزق و روزی از در و دیوار می‌بارد

آمنه مستقیمي
اخیلی از ما به‌ویژه در سال‌های اخیر و پس از تحریم‌ها و افزایش قیمت‌ها، دچار اندوه درباره گذشته و ای‌کاش‌های متعدد و نیز ترس‌های مختلف درباره آینده شده‌ایم؛ مثل اینکه چرا در زمان ارزانی، طلا و دلار نخریدیم یا این افزایش قیمت‌ها با آینده ما و خانواده‌مان چه می‌کند؟ این اندوه و ترس، حال خوب و خواب راحت را از خیلی‌ها گرفته است. اما اسلام و قرآن، پاسخی مناسب برای آن دارند و هرچه غصه و ترس است، با اعتقاد به این پاسخ، مثل یخ آب می‌شود. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمد باقی، استاد حوزه علمیه و کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

رزق همه را خدا می‌دهد

نکته مهم آنکه همه این سیستم‌زم رزق را پروردگار وعده داده است و این از وعده‌های مهم الهی است و آیات بی‌شماری در این باره وجود دارد، مثل آنکه می‌فرماید: «و جنبه‌ای در زمین نیست، مگر اینکه رزقش برعهده ماست». با آنکه «رزق شما در آسمان است و ما آن را می‌دهیم»، این یعنی دنیا را تأمین کردیم اما خدا درباره تأمین آخرت وعده نمی‌دهد. متأسفانه ما درباره آنچه تضمین شده است، طمع و حرص داریم و دنبالش می‌گردیم اما آخرت را که تضمین نشده است، رها کرده‌ایم. خدا رزق را تأمین کرده است تا انسان به دنیا میل و دغدغه نداشته باشد و حرکت و تلاش او به سمت آخرت باشد، از این‌رو مدیریت مالی در خانواده باید در جهت توحیدی باشد، یعنی اگر مرد در خانه و خانواده خرج می‌کند، همسر و فرزندان خود را عیال خدا و خود را واسطه رزق‌رسانی به آن‌ها به‌عنوان بنده خدا بدانند. به تعبیر دیگر، مرد در تأمین و اداره خانواده، وظیفه‌ای الهی برای خود تعریف کند که این چنین، درهای برکات مالی به روی ما باز می‌شود. اگر فردی در خرج مال، رضای خدا را دنبال کرد، خدا رزق او را تأمین می‌کند.

اشتباه رایج مردم درباره دخل و خرج

اساسا زندگی مالی براساس دخل و خرج در نظام هستی تعریف می‌شود، به این معنا که به هر میزان که در زندگی خرج داشته باشیم، دخل تعریف می‌شود، درحالی‌که تفکر عمومی جامعه بالعکس و براین باور است که باید به میزان دخل، هزینه و خرج داشت. تصور عموم بر این است که انسان باید ببیند چقدر درآمد دارد و آن‌گاه مصرف را براساس آن، تعریف و باتوجه به درآمدی که دارد، هزینه، قناعت، پس‌انداز و تدبیر کند تا مصرف و خرجش بیش از دخل او نباشد، درحالی‌که در نظام هستی انسان باید متعارف خرج کند تا درآمد بر حسب مصرف در زندگی او جاری شود. به عبارت بهتر به میزانی که درست هزینه کنیم، خدا به ما رزق می‌دهد و روزی و دخل ما را بر می‌کند.

روزی به میزان خرج در زندگی، جاری می‌شود

در اقتصاد و تصور عرفی نیز این بحث مطرح است؛ برای مثال اگر انسان ماهی ۵ میلیون تومان درآمد دارد، باید خرجش را با آن تنظیم کند. اما از نظر معرفت‌شناسی دینی، به میزان خرجمان، دخل می‌یابیم و درآمد و روزی به میزان خرج در زندگی انسان، جاری می‌شود، یعنی هرچه درست‌تر مصرف کنیم، خدا به همان میزان به ما رزق می‌دهد، نه اینکه فکر کنیم چون عیال و فرزندان متعدد داریم، پس دخلمان به خرجمان نمی‌خورد.

خدا رزاق است، نه جیب ما

در تفکر الحادی نیز فکری می‌کنیم رزق دست ماست و بنابراین به میزان درآمدمان، مصرف می‌کنیم و خرج زن و بچه را با جیب خود تعریف می‌کنیم؛ چون باور داریم این ما و جیب ماست که رزق است. اما تفکر توحیدی تأکید می‌کند خدا رزاق است و به انسان به هر میزانی که هزینه کند، دخل می‌دهد. این است هماهنگی دخل و خرج در نظام تکوین و خلقت و معنای تصریح قرآن در آیات ابتدایی سوره مبارک طلاق که می‌فرماید: «هرکه تقوا پیشه کند، از جایی که گمان نمی‌برد، خدا او را روزی می‌دهد».

خدا هزینه کردن برای خانواده را جبران می‌کند

تقوا می‌تواند در حوزه مالی هم باشد؛ یعنی درست و در راه خدا و برای خانواده خرج کنید، در ابی‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: «به هر میزان اتفاق کنید، خدا جایگزین می‌کند». بخشی از اتفاق، مربوط به فقرا و محرومان است و بخشی از آن متعلق به خانواده، به همین دلیل به خرجی‌ای که مرد برای خانواده هزینه می‌کند، نفقه می‌گویند. هزینه برای خانواده، اتفاق و صدقه است و خدا آن را جایگزین می‌کند. اساس اقتصاد اسلامی و توحیدی بر این مبناست، درحالی‌که اقتصاد قارونی می‌گوید اگر مالی کسب کردم، با تلاش و همت خودم است. اما به تصریح قرآن، انبیا همه چیز خود را از خدا می‌دانند، چنان‌که در داستان حضرت ابراهیم^(ع) آمده است: «خدا من را غذا می‌دهد و سیراب می‌کند». در تفکر توحیدی، دخل تابع خرج و ورودی، تابع مصرف ماست.

مال خوب است و مال اندوزی بد

اسلام با تولید سرمایه به شدت موافق است. این‌طور نیست که اسلام بگوید انسان در فقر زندگی کند، بلکه بر غنی کردن افراد و تقویت جامعه با رویکرد کارآفرینی و سهمیم کردن دیگران در اموال الهی تأکید می‌کند. لذا با مرور آیات و روایات می‌بینیم که تأکید خداوند بر تقویت انسان و جامعه اسلامی است که یک بعد آن مالی است. از این‌رو مال، خوب است و مال‌اندوزی بد. اگر مال را برای بهره‌مندی خود نه دیگران جمع کنیم، خطرناک است اما اگر تولید سرمایه با هدف عزت خانواده و جامعه باشد، بسیار مطلوب است. پیامبر^(ص) فرموده‌اند: «هرکه برای معیشت زن و بچه‌اش تلاش کند، مثل فردی است که در راه خدا جهاد کرده است»، یعنی آموزه‌های دینی بر تلاش برای معیشت تأکید می‌کنند اما از سوی دیگر قرآن کریم اِنداز می‌دهد که مراقب باشید، مال و فرزند زینت زندگی دنیایی‌اند، یعنی نباید هدف باشند، بلکه باید به دیده‌ابزار رسیدن به قرب و رضای خدا به‌آن‌ها نگرست.

شیطان به ما فقر را القا می‌کند

براساس دیدگاه اسلامی، پایه اقتصادی در تشکیل خانواده، چنان‌که در سوره مبارک نور می‌فرماید: «از دواج کنید و خانواده تشکیل دهید، اگر فقیر هستید و ندارید، ما به شما می‌بخشیم». این چنین تأمین می‌شود؛ یعنی اول خرج کن و خانواده تشکیل بده، بعد ما مخارج شما را تأمین می‌کنیم اما متأسفانه، جامعه ما به این آسیب که باید اول پول باشد بعد ازدواج کنیم، مبتلاست. چرا این‌طور فکری کنیم؟ این کار شیطان است که به ما القا می‌کند نمی‌توانیم و دچار فقر می‌شویم. به تصریح قرآن کریم، شیطان به شما وعده فقر و نداری می‌دهد.

هر جا نیاز باشد، نظام هستی تأمین می‌کند

یک قاعده کلی در نظام خلقت هست که هر جا خلل، کمبود و نیازی باشد، بلافاصله ترمیم و جبران می‌شود، مثل زخمی که در بدن ایجاد می‌شود و همه اعضا برای رفع آن بسیج می‌شوند. در امور مالی نیز چنین است؛ هر جا نیازی باشد، نظام هستی آن را ترمیم می‌کند، مثل اینکه به محض تولد نوزاد، شیردر سینه مادر جاری می‌شود؛ یعنی با نیاز نوزاد، منبع تأمین‌کننده آن فراهم می‌شود. این تعبیر بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند/ تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری» است. این نگاه در اقتصاد بسیار مهم است و با آن، د دیگران آینده ترس و واهمه نخواهیم داشت، البته باید اعتدال و عدالت داشت و اهل اسراف نبود، نه به معنای قناعت و صرفه‌جویی بلکه به معنای درست هزینه کردن. در دخل و خرج باید جایگاه اقتصادی اجتماعی هم لحاظ شود و باتوجه به عرف و شأن اجتماعی انسان، خرج شود که این چنین خدا دخل را تأمین می‌کند.

دنیا تجارت‌خانه اولیای خداست

برپایه دیدگاه اسلام، نگاه به مال و امور مالی باید نگاه ابزاری باشد نه هدف‌گایی؛ یعنی دنیا محل تجارت اولیاء... است. با این رویکرد، با اتفاق به خانه و جامعه، رضای خدا را دنبال می‌کنیم؛ چون رجوع به خداست نه به سمت مال و مابدون مال از دنیا خارج می‌شویم. به تصریح قرآن کریم، کسی می‌تواند به مقام ابرار و نیکان برسد که از مالی که دوست دارد، اتفاق کند: «هرگز به نیکی نمی‌رسید تا زمانی که از آنچه دوست می‌دارید، اتفاق کنید» (آل عمران ۹۲).

حجت‌الاسلام والمسلمین باقی:

پروردگار بر حسب شأن و جایگاه عرفی، به انسان‌ها رزق می‌دهد؛ یعنی برپایه حکمت و باتوجه‌به شأن اجتماعی اقتصادای افراد؛ البته رزق طیب، آن است که باعث رشد و پرورش انسان شود

مسئولیت مالی سرپرست خانواده

تأمین معیشت خانواده بر مرد، واجب و همسو با نگاه توحیدی و مقدمه‌ای برای آبادی آخرت و رسیدن به بهشت است و اگر مرد از این واجب فقهی خودداری کند، خدا مؤاخذه‌اش می‌کند. آموزه‌های دینی، مال را زینت نمی‌داند، بلکه لباس تقوا را زینت آدمی می‌داند. اگر در کسب و مدیریت مال در زندگی، خدا را هدف قرار دهیم، این‌جاست که رزق و روزی از درود یوار می‌بارد.

رزق به اصل کار است، نه نوع کار

خیلی از افراد خرجشان به مراتب بیشتر از دخل ظاهری‌شان است که دیگران را به تعجب وامی‌دارد؛ این یعنی رزق برپایه نوع کار نیست، بلکه بر حسب اصل کار است. انسان باید وظیفه خود را انجام دهد، خداوند رزق را به او می‌دهد؛ یعنی انسان باید به تناسب نیاز جامعه، کار کند و خدا خود روزی‌اش را می‌دهد.

آن‌هایی که از افزایش نرخ دلار و طلا نمی‌ترسند

باین دید که رزاق خداست، انسان به هیچ‌وجه نگران نمی‌شود. به تعبیر قرآن، آن‌ها که نگاهشان به خداست، هرگز نگران و ترسان و دچار حزن و اندوه نمی‌شوند. حزن، مربوط به گذشته و خوف درباره آینده است. آن‌ها که خدا را رزاق می‌دانند و به او اعتماد دارند، دیگر از اینکه چرا سکه و طلا و ماشین و ملک و دلار خریدند، غصه نمی‌خورند و از آینده و اتفاقات مالی و بالاوپایین شدن قیمت ارز و طلا و... ترس و نگرانی ندارند؛ چون می‌دانند خدایی که از رحم مادر رزق آن‌ها را داده است، تا امروز هم هوایشان را داشته و هرگز رزق آن‌ها را به کسی و چیزی واگذار نکرده است.

پروردگار بر حسب شأن و جایگاه عرفی، به انسان‌ها رزق می‌دهد؛ یعنی برپایه حکمت و باتوجه‌به شأن اجتماعی اقتصادای افراد؛ البته رزق طیب، آن است که باعث رشد و پرورش انسان شود. رزق به میزان استفاده‌اش از دنیا، کارآمد است، وگرنه داشتن چندین باب خانه اگر جز زحمت و دغدغه برای حفظ و افزایشش چیزی نداشته باشد، فایده‌ای ندارد. استفاده ما از دنیا، میزان محدودی از غذا و محل اسکان و پوشاک است و این‌طور نیست که هرچه بیشتر داشته باشیم، بیشتر بخوریم و لذت ببریم؛ بیشتر داشتن به معنای استفاده بیشتر نیست، بلکه دغدغه هزینه‌کرد و نگهداری و حفظ و افزودن شدن آن هم بار می‌شود؛ «خبر ده به درویش سلطان پرست / که سلطان ز درویش، مسکین تراست».